



گفت‌وگوی صبا با حسین خلیفی  
درباره بازتاب سینمای ایران در چین

# چینی‌ها انگشت بر دهان ماندند

سینمای چین دوره جدی فعالیت خود را از سال ۱۹۰۵ آغاز کرد که اکثر آثار این دروه، در واقع ادای دینی بود به سنت‌های اصیل نمایشی چین بود. از سال ۱۹۲۰ سینمای این کشور به مدت دو دهه

سمیه خاتون  
گفت‌وگو

وارد دوران طلایی اول خود شد که از آن به دوران توسعه سینمای چین هم یاد می‌شود. این دوره دو مشخصه برجسته داشت اول بازگشت سینماگران چینی از آمریکا و دوم ورود گروهی فیلم‌ساز آمریکایی به چین، که حاصل آن حضور ایده‌های ایده‌های چپ‌گرایانه در سینمای این کشور بود که تحولی در مضمون فیلم‌های دهه ۳۰ چین رقم زد، فیلم‌هایی که خصوصاً مونتاژ آن‌ها به شدت تحت تأثیر آموزه‌های صورت‌گرایان روس همچون آیزنشتاین بود تا اینکه با حمله ژاپن به کشور چین در سال ۱۹۳۷ دوران طلایی اول سینمای چین پایان یافت و مدت‌ها بعد، پس از پایان یافتن جنگ جهانی دوم سینمای چین وارد دوران طلایی دوم خود شد. روند تاریخی‌ایی که سینمای چین در طول این سال‌ها از سر گذرانده بیانگر این است که سینمای چین در تمام این دوران، هیچ‌گاه از خواستگاه‌های فرهنگی و سنتی خود به دور نبوده است و این نکته برمی‌گردد به وجه اشتراکی که دولت این کشور با سینماگران خود داشته است. و این مطلب می‌تواند درسی باشد برای سینمای ایران؛ سینمایی که همیشه از دو دسته بودن دولت و سینماگر رنج برده و می‌برد، اتحادی که اگر برقرار شود رز شکوفایی سینمای ایران خواهد بود. خبرنگار صبا در این پرونده با حسین خلیفی فعال فرهنگی ایران در کشور چین درباره سینمای ایران و چین به گفت‌وگو نشست، در این گفت‌وگو خلیفی به صبا از تجربه‌های فرهنگی که در این کشور داشته و همچنین مواجهه مردم چین با سینما گفت که در ادامه می‌خوانید.

دارد، سینمای آرت ایران ویرترین کشور مادر جهان است به همین دلیل برداشت‌های ذهنی که از ایران در نگاه مخاطب عام جهان شکل گرفته در همان حد باقی مانده است. تصور اینکه مردم ایران زندگی‌های معمولی‌تر، بهتر و یا حتی لاکچری‌تری دارند از نظر مردم جهان دور از ذهن است. مردم عام به نگاه آرتیستی که کارگردان به موضوع فیلم دارد بی‌اطلاع هستند و مرز میان فیلم هنری و غیر هنری را درک نمی‌کنند، به همین دلیل این سینما هم خوب است و هم بد. این فیلم‌ها پرداخت خوب و احساسی به موضوع دارند و روی تماشاگر از هر نقطه از جهان تأثیر گذارند اما در ادامه ویرترین خوبی از ایران را در جهان به نمایش نمی‌گذارند. مخصوصاً در کشورهایی که اطلاعاتی کمی درباره ایران دارند. به طور مثال فیلم برادران لیلادر سی و پنجمین، فستیوال خروس طلایی چین که هم ردیف جشنواره فجر در ایران است به عنوان افتتاحیه جشنواره به اکران درآمد و با اقبال خوبی هم مواجه شد، اما چینی‌ها نگاه شان پس از تماشای این فیلم به ایران بسیار محقرانه‌تر شد و زندگی در ایران را همان‌طور در حالت کپرنشینی و جدال‌های خانوادگی، بی‌احترامی فرزندان به پسر و مادر تصور کردند در حالی که ویژگی‌های این فیلم در نمایش احساسات و تلفیقی از کاراکترها با چالش‌های متنوع و عمیق در قامت یک خانوادگی محفوظ مانده بود طوری که هنرمندان چینی از نمایش این فیلم انگشت بر دهان مانده بودند. اما همه این‌ها دلیل نمی‌شود که بگرداند ذهنی خود را درباره ایران و زندگی در ایران تغییر دهند. چینی‌ها بعد از تماشای این فیلم زندگی در ایران را هر طوری که در فیلم دیده بودند تصور می‌شوند و این به لحاظ تصویری در ذهن چینی‌ها خوب و شکل یافته نیست.

**معمولاً چه آثاری از سینمای ایران در چین با اقبال مواجه می‌شوند؟**

ما چند فیلم داریم که برندهای فیلم ایران هستند، بچه‌های آسمان مجیدی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و یکی از درس‌های دانشگاهی است که همه دانشجویان هنر و بازیگری باید این درس را بگذرانند. فیلم‌های مختلف اعم از فیلم‌های فرهادی که در سطح دنیا جایزه اسکار دریافت کردند برندهای فیلم‌های ایران هستند. از لحاظ هنری و

این تنوع از پرداخت به موضوعات مختلف در همه زمینه‌ها دیده نمی‌شود. چرا که مسئولین کشورها پذیرفته‌اند یکی از مهم‌ترین کارکردهای سینمای امروز، این است که پنجره‌ای است که توسط آن کشورهای دیگر آن‌ها را ببینند، پس آنها با توجه به سیاستگذاری‌های کوتاه مدت و بلند مدت شان آنچه را که به صلاح کشور هست را نشان می‌دهند، علاوه بر این مصرف داخلی خود را نیز با همین معیار، تولید و انتشار می‌دهند.

**باتوجه به تجربه‌ای که از زیست در کشور چین داشته‌اید معضلات جامعه چین در سینمای این کشور انعکاس یافته است یا خیر؟**

شاید در چین هم مانند هر کشوری معضلاتی کوچک یا بزرگ وجود داشته باشد اما به هر حال تصمیم‌گیری مبنی بر این است که این مسائل را نباید در سینما نشان داد و با توجه به هدف‌گذاری آنچه را که به صلاح جامعه و دید جهانی است، نشان می‌دهند که در آن به برخی معضلات هم ممکن است بپردازند. شاید هم برای این مسئله دلیل دیگری هم بتواند در نظر گرفت اینکه هنرمندان و سینماگران چینی به نسبت ایرانی‌ها، نمی‌توانند به خوبی مشکل را تعریف کنند و یا روایتگران خوبی در این زمینه نیستند به همین خاطر به سراغ این مسائل نمی‌روند. باید پذیرفت در زمینه روایتگری و هنری سینمای ایران حرف‌های زیادی در جهان داشته و دارد به همین حساب از نظر هنری سینمای ایران در دنیا پیشرو است هر چند به نسبت سینمای چین و دیگر کشورها در پرداخت و جذب مخاطب گیشه هنوز عقب هستیم.

**سینمای ایران در جهان چه نمایه‌ای دارد؟**

تخصص سینمای ایران در پرداخت بسیار احساسی به موضوعات خانوادگی است، کارگردانان ایرانی در اینکه احساس مخاطب را بالا آورده و اشک را از چشم او جاری کنند، متبحرند. این قدرتی است که در سینمای جهان کمتر دیده می‌شود! البته این مسئله ریشه در زیست و زندگی در محیط جغرافیایی ایران دارد. به طور کلی شاید سینمای ایران را بتوان در دو گونه بررسی کرد؛ سینمای آرت و سینمای تجاری، مسلماً سینمای آرت ایران در دنیا و همین‌طور در چین طرفداران زیادی

حسین خلیفی کیوی، از سال ۲۰۰۶ در چین زندگی می‌کند و از سال ۲۰۱۰، به کار فرهنگی در این کشور مشغول است. او دانش‌آموخته زبان چینی از دانشگاه شهید بهشتی است و در حال حاضر به عنوان یکی از نمایندگان سینمای کشور در چین فعالیت فرهنگی و هنری دارد.

**گرفتاری‌های که بعضاً کارگردانان ایرانی در پرداخت به موضوعات دارند، آیا در چین هم برای اهالی سینمای این کشور وجود دارد؟**

به هر حال هر کشوری دارای قانون‌ها و قواعد خاص به خودش است، هیچ کشوری را در جهان پیدا نخواهید کرد که مدعی باشد دست هنرمندان را در پرداخت به موضوعات و پردازش آن‌ها باز خواهد گذاشت، خصوصاً وقتی یک فیلم قرار باشد معرف فرهنگ، سنت و آداب رسوم یک کشور باشد و بخواهد در سطح بین‌المللی در دنیا به رقابت با آثار دیگری از دنیا فعالیت کند. به همین صورت کشور چین هم مانند کشور ایران قائل به ممیزی و رعایت برخی موارد است که از آن به نام سانسور هم یاد می‌شود البته خطوط ممیزی در هر کجای دنیا با توجه به پیش زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی متغیر است. مثلاً در کشور چین یکی از پررنگ‌ترین ممیزی‌ها فرهنگ مردم این کشور است و کارگردانان این کشور اجازه ندارند فقر را نشان دهند درست برعکس فیلم‌های ایرانی که فقط فقر را نشان می‌دهند!

**پس با این حساب روند اداری تأیید متن تا ساخت اثر در چین هم مانند ایران است؟**

بله درست به همین منوال که در ابتدا سیناپس را به دستگاه مربوط ارائه می‌دهند و سپس مرحله به مرحله تا ساخت اثر پیش می‌روند.

**سینمای مستقل چین چگونه عمل می‌کند؟**

سینمای چین دولتی و یا نیمه دولتی است و صادقانه اگر بخواهیم این مسئله را با ایران مقایسه کنیم، فیلمسازان ایرانی شرایط بسیار آزادتری را در پرداخت و ساخت به موضوعات مورد علاقه اشان را تجربه می‌کنند. همان‌طور که سینماگران ایرانی در آثارشان تنوعی از موضوعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارند و به راحتی معضلات اجتماعی خصوصاً فقر را نشان می‌دهند در حالی که در سینمای دنیا